

شهید ابراهیم پورکارگر



نام پدر	الله کرم
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۵/۰۳
محل شهادت	حاج عمران
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	مزارعی

زندگینامه

زندگینامه شهید

پس از چهار سال انتظار و امید، اول فروردین ماه سال چهل و چهار هجری خورشیدی، بوی خوش بهار و عطر تولد پسر سالم و زیبا در فضایی پاک و صالح در هم آمیخته شد و با هلهله و شادی و قربانی کردن گوسفند، چشم گشودن او را به این دنیای خاکی جشن گرفتند. پدرش اله کرم، بنا به عهده که با خدای خویش بسته بود، نام وی را «ابراهیم» نهاد؛ تا مسیر حق را برگزیند و بر شرک و بت پرستی دست رد زند. مادر، وی را در دامن پر مهر و پاک خود پرورش داد و از همان آغاز کودکی او را با فرایض اسلامی آشنا ساخت.

پیش از ورود به تحصیلات دوره ی ابتدایی، قرآن را در مکتب خانه فرا گرفت که بر روحیه ی والای او تأثیری شگرف داشت. وی در سن شش سالگی وارد دبستان طالقانی شد. چون از حافظه و استعداد قوی برخوردار بود، به عنوان یکی از شاگردان ممتاز شناخته شد و توانست با همین جدیت، با موفقیت این دوره را به اتمام برساند و به آموزشگاه راهنمایی خیام وارد شود. ورود به این دوره ی تحصیلی، با اوج گیری انقلاب اسلامی مصادف شد و او چون سایر جوانان حزب الهی و انقلابی به فعالیت سیاسی و مذهبی پرداخت و در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه های ضد رژیم، شرکت فعال داشت.

وی نسبت به اطرافیان خود احترامی خاص قایل بود. از روحیه ای باز و بینشی عمیق برخوردار بود و به دوستی و خویشاوندی، وفادار. اهل مسجد بود و اعضای خانواده را در این راه تشویق می کرد.

همزمان با فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل ارتش بیست میلیونی به عضویت بسیج در آمد و در کنار تحصیل خود به فعالیت در انتشار قد است این نهاد نو پای، در بین دانش آموزان پرداخت.

وی تحصیل خود را تا سال دوم متوسطه در رشته ی اقتصاد در دبیرستان امیر کبیر وحدتیه ادامه داد؛ چون روح والا و بزرگش در تحصیل سیراب نمی شد، گمگشته ی خویش را در میدان نبرد با دشمن بعثی جست و جو می کرد؛ بنابراین در بیست و سوم خرداد ماه سال شصت و دو روانه ی جبهه ی نور علیه ظلمت شد و در عملیات بزرگ و پیروزمندانۀ والفجر (۲) هنگام تصرف پادگان حاج عمران عراق در سوم مرداد ماه همان سال عاشقانه به خیل شهدای کربلای خمینی پیوست.

وصیت نامه

بسم رب الشهداء و الصديقين

وی در وصیت نامه ی خود می نویسد : « ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتاً بل احياء ولكن لا تشعرون . کسی را که در راه خدا کشته شد مرد مپندارید بلکه او زنده ی جاوید است ولیکن شما این حقیقت را در نخواهید یافت .

با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مرجع تقلید جهان اسلام و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی و با سلام بر شهیدان گلگون کفن ، این حامیان دودمان حسین (ع) که مانند او می جنگند و بسان او شهید می شوند و نهال انقلاب را آبیاری می کنند و سلام بر برادران روحانی و طلاب ، این پیام آوران عصرمان که به هر سو پیام این شهیدان را می رسانند و مردم را از جرثومه های شوم آگاه می کنند و سلام بر ملت غیور و شهید پرور ایران ، وصیت نامه ی خود را شروع می کنم .

پدر و مادرم ، اگر چه من لیاقت شهید شدن را ندارم ؛ زیرا گناهان بسیاری را مرتکب شده ام ولی هر قطره خونی که از شهید ریخته می شود تمام گناهان او بخشیده می شود . پدر جان ، اگر من شهید شدم بعد از من برادرم « اسماعیل » را به جای من بسیج بفرستید ؛ زیرا مکتب اسلام ، انسان می سازد و انسان را پرورش می دهد و آنان را نمی گذارد که زیر بار ظلم بروند و مرگ با افتخار را بر زندگی ذلت بار ترجیح می دهند .

پیروان دین خدا ، رهروان سرخ حسین هستند و راضی به ریختن خون خود در راه خدا می باشند تا مکتب اسلام جاودانه بماند ؛ زیرا همیشه کفر در مقابل اسلام قرار داشته است . قایل در مقابل هابیل ، فرعون در مقابل موسی (ع) ، ابوجهل و ابوسفیان در برابر رسول خدا حضرت محمد (ص) و شیطان بزرگ ، آمریکا و مزدور او صدام در برابر امام کبیرمان خمینی (ره) قرار داشته است ؛ پس ای گلوله ها و خمپاره ها بیایید سینه ی مرا تکه تکه کنید تا بتوانم با دادن جان ناقابل خود خدمتی به اسلام کرده باشم .

پدر و مادرم ، برای من گریه نکنید ، بر حسین (ع) و یارانش گریه کنید ؛ زیرا انسان هر چه قدر در این دنیا باشد ممکن است مرتکب گناه شود . این دنیا ، زود گذر است . روح و جان ما امانتی است که از طرف خداوند به ما سپرده شده و وقتی موقعیتش رسید باید آن را به صاحب اصلیش که خداوند است ، سپرد ؛ پس چه بهتر که این امانت را در میدان جنگ با کافران به صاحب اصلیش سپرد .

پدر و مادرم ، شما زحمت های زیادی با من کشیدید و مرا بزرگ کردید ولی این زحمت های شما به هدر نمی رود و خداوند به شما اجر پدر و مادرم ، برای من ناراحت نباشید که می خواهم بروم پیش برادران شهیدم منوچهر راه پیما ، سید حسین مزارعی ، ابراهیم بنافی و دیگر شهدای اسلام . خون من که از خون این شهیدان بهتر نیست . پروردگارا ، صبر و استقامت به ما ارزانی و ما را در پیروزی بر اصل کفر نصرت و یاری خواهد داد و به شما استقامت می دهد .

خاک عمران لاله گون از خون « ابراهیم » گشت

تا چه « اسماعیل » نیز او گشته قربان یاد باد



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران